

Resolving the conflict of strengthening the family by accepting the privacy of the couple

Abedin momen^{1*}, aliakbar ezadifard²,
Ramzanali shabani³

- 1- Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran, Iran.
2- Professor of Jurisprudence and Islamic Law, Mazandaran University, Babolsar, Iran.
3- Graduate of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Babol, Iran.

Received Date: 2021/04/17

Accepted Date: 2021/08/06

Abstract

In Islamic jurisprudence, it is stated that couples have privacy and independent interests towards each other, and neither of them has the right to enter the other's privacy. But in the customary way of life, it is observed that couples do not consider the security, comfort and strength of the family possible except with the cooperation and interaction of couples, and therefore consider themselves to have common benefits and harms, so it is necessary to deal with issues and affairs. Learn about each other privately. There seems to be a conflict between the recommendations of Shari'a and the customary practice of society. Therefore, by examining and researching the verses, hadiths and the words of the jurists, it was proved by mentioning some documents that some of the behaviors of people in life are based on religious requirements and some have customary requirements. Therefore, in this research, it has been stated that since the beginning of Islam, there are signs of customary approval in the Shari'a, which has become so prominent that it is thought that the custom is preferred to the Shari'a, while the common custom is used to strengthen the family. The sharia side is valid. Therefore, couples, while accepting the boundaries of each other's independence, strengthen the security and comfort of the family and prevent harm from it by interacting and cooperating between each other in independent and common interests.

Keywords: Conflict, privacy, independence of spouses, custom and sharia, family strength.

حلّ تعارض تحکیم خانواده با قبول حریم خصوصی زوجین

عابدین مومنی^{۱*}، علی اکبر ایزدی فرد^۲، رمضانعلی شهبانی^۳

- ۱- دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، ایران.
۲- استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
۳- دانش‌آموخته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۲۸

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵

چکیده

در فقه اسلامی آمده است که زوجین از حریم خصوصی و منافع مستقلی نسبت به یکدیگر برخوردارند و هیچ یک از آن دو حق ورود به حریم دیگری را ندارند. ولی در رویه عرفی زندگی مشاهده می‌گردد که زوجین امنیت، آسایش و استحکام خانواده را جز با همکاری و تعامل زوجین امکان پذیر نمی‌دانند و بر همین اساس خود را دارای منافع و مضار مشترک می‌دانند لذا ضرورت پیدا می‌کند که از مسائل و امورات خصوصی مربوط به هم مطلع شوند. که به نظر می‌رسد بین توصیه های شریعت و رویه عرفی جامعه تعارض وجود دارد. لذا با بررسی و تحقیق در آیات و روایات و کلام فقهاء، با ذکر مستندات اثبات گردید برخی از رفتارهای مردم در زندگی بر مبنای اقتضائات شرعی است و برخی نیز اقتضاء عرفی دارد. بنابراین در این تحقیق آمده است که از صدر اسلام، در شریعت نشانه هایی از تأیید عرف مشاهده می‌شود که آن عرف چنان برجسته گردیده است که تصور می‌شود عرف بر شرع ترجیح داده شده است در حالی که آن عرف رایج به جهت تقویت خانواده از طرف شریعت اعتبار یافته است. لذا زوجین ضمن پذیرش مرزهای استقلال یکدیگر، با تعامل و همکاری فیما بین در منافع مستقل و مشترک، امنیت و آسایش خانواده را تقویت و از ورود آسیب به آن جلوگیری می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: تعارض، حریم خصوصی، استقلال زوجین، عرف و شرع، استحکام خانواده.

۱- طرح مسأله

در نظام نکاحیه فقه و شریعت اسلام بیان گردیده است که زوجین نسبت به یکدیگر از حریم خصوصی برخوردارند. و هیچ یک از آن دو بدون اجازه هم حق ورود به حریم شخصی دیگری را ندارند. درآمدها و هزینه های آن دو نیز مستقل از دیگری بوده و هر یک از زوجین می توانند آینده نگری ها و برنامه ریزی های مربوط به خود را داشته باشند و به طور مستقل فعالیت های اقتصادی، تجاری و... انجام دهند. اما از طرف دیگر در نظام عرفی جامعه دیده می شود وقتی که زن و مرد طی قراردادی تحت عنوان عقد نکاح در کنار هم قرار می گیرند و تشکیل یک زندگی مشترک می دهند بر اساس عرف جامعه، خودشان را دارای منافع و مضار مشترک می دانند و بر همین مبنا احساس نیاز می شود که با اعتماد و حسن ظن به یکدیگر با هم زندگی کنند و از مسائل و امورات مربوط به یکدیگر مطلع شوند. با این توصیف چنانچه زوجین بخواهند صرفاً با عمل به دیدگاه اول زندگی خود را آغاز کنند سوء ظن هایی بین زن و شوهر ایجاد خواهد شد که می تواند در روند زندگی آن دو تأثیر بسیار منفی بگذارد چرا که به دلیل استقلال طرفین در نفع و ضرر و عدم تأثیر عملی آن در زندگی آنها هیچ توجهی نسبت به منافع و مضار هم نشان نخواهند داد و این بی توجهی می تواند آسیب جدی به روابط طرفین وارد نماید. در دیدگاه دوم که پیروی از رویه عرفی جامعه است به این دلیل که زوجین دارای منافع و مضار مشترک می باشند می طلبد که تعامل و همکاری و همفکری مشترک نیز داشته باشند در نتیجه این احتمال وجود دارد که توصیه های شریعت مبنی بر رعایت حریم خصوصی مغفول بماند و در نهایت حقوق هر یک از زوجین ضایع گردد. بنابراین با توجه و تدقیق به دو دیدگاه مطروحه به نظر می رسد که نه تنها بین دو دیدگاه سازگاری وجود ندارد بلکه در تعارض و تنافی هم نیز قرار دارند و به نوعی همدیگر را نقض می کنند. با این توصیف دو سؤال اساسی به ذهن متبادر می شود:

- ۱- با توجه به اینکه شریعت اسلام قائل به وجود حریم خصوصی و استقلال منافع و مضار زن و شوهر است آیا جایی برای گفتگو و تحقیق در مورد خانواده که قائل به منافع و مضار مشترک زوجین می باشند و شاکله آن تعاون، همکاری و همراهی متقابل آنهاست وجود خواهد داشت؟
- ۲- با توجه به اهمیتی که جایگاه خانواده برای اصلاح جامعه و پیشرفت فرزندان و موفقیت و سلامت اخلاقی و اعتقادی نسل آینده دارد آیا راه حلی وجود دارد که ضمن قبول حریم خصوصی زوجین، بتوان خانواده را به گونه ای تقویت نمود که آسیب پذیر نباشد؟

۲- مفهوم شناسی

۱-۲- حریم و خصوصی

حریم در فرهنگ لغت به معنای منع است و واژه های حرام، تحریم، احرام و حریم یک ریشه دارند. چنان که گفته شده واژه حرام با صیغه های حُرْمٌ، حَرَمٌ، حُرْمٌ در ادبیات عرب تلفظ می شود که نقیض حلال می باشد. واژه حریم آن چیزی است که حرام شده و نباید آن را لمس کرد. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۱۹-۱۲۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۶؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۲۲؛ صاحب ابن عباد، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۹۴) حریم هر چیزی مقداری است که استفاده از آن چیز به آن بستگی داشته باشد و جایز نیست کسی این مقدار را بدون رضایت صاحبش احیاء نماید.^۱ (حرر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۱۳۲؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۸۱، ص ۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۸، ص ۳۴) در تعریف حریم گفته اند: حریم کلمه ای است عربی و در لغت به معنی منع می باشد که در ماده ۱۳۶ ق.م. تعریف آن آمده است.^۲ (امامی، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۲)

خصوصی نیز به معنای شخصی، داخلی و زندگی خصوصی اشخاص است. لذا اگر شخصی بخواهد حوالی چیزی را که دارای حریم است احیاء کند بدون اجازه مالک و رضایت او مقدور نمی باشد و چنان چه بدون اجازه مالک احیاء کند غاصب محسوب می گردد.^۳ (اصفهان، ۱۴۲۲، ص ۶۵۹)

^۱ «قال أمير المؤمنين ع حریم المسجد أربعون ذراعاً - والجوار أربعون داراً من أربعة جوانبها.» «أن لا يكون الموات حریماً لعامة: بستان أو دار أو قرية أو بلد أو مزرع أو غير ذلك مما يتوقف الانتفاع بالعامر عليه كالطريق والشرب و حریم البئر والعين والحائط بلا خلاف أجده فيه كما اعترف به غير واحد.»

^۲ حریم مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد.

^۳ فإذا أراد شخص إحياء حوالی ماله الحریم، لا يجوز له إحياء مقدار الحریم بدون إذن المالك و رضاه، و إن أحياء لم يملكه و كان غاصباً.

در فقه اهل سنت نیز در باره حریم سخن به میان آورده‌ند: اگر شخص بخواهد در حریم چاه مالک اول چاهی حفر کند یا بنایی بسازد یا زراعتی کند یا آن که چیز دیگری به وجود بیاورد صاحب چاه می‌تواند مانع کار او شود و اگر بر اثر اعمال شخص دوم به صاحب چاه زیانی وارد شود زیان رساننده ضامن جبران خسارت است. (سرخسی، ۱۴۰۶، ص. ۱۶۲؛ مرغینانی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص. ۲۵۷)

حریم خصوصی اشخاص، آن چیزی است که دیگران نسبت به آن از جهات مختلف اطلاع یافتن، ورود پیدا کردن، تصرف نمودن و امثال آن ممنوع هستند. حریم خصوصی شامل امور خانوادگی، اقامتگاه، مکاتبات، اموال منجمله اتومبیل، کیف، گوشی موبایل، و... و جان و آبرو و حیثیت افراد می‌شود. بنابراین از دیدگاه اسلام حریم خصوصی افراد، از جمله جان، اموال، آبرو و حیثیت و... محترم است و کسی حق ندارد وارد حریم خصوصی دیگران شود. چنانکه برخی از فقهاء نیز حریم را غالباً در برابر مال و جان و آبرو به کار برده‌اند. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص. ۱۶؛ موسوی خمینی، بی تا، ج ۱، ص. ۴۸۷) در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در ماده ۱۲ (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰، ص. ۳۱۸؛ زحیلی، ۱۴۳۲، ص. ۳۹۴؛ فاخر الجزایری، ۱۴۳۵، ص. ۲۳۴) و همچنین میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۷^۱ (قربان نیا، ۱۳۹۰، ص. ۶۶) حمایت از حریم خصوصی و لطمه نزدن به حیثیت و آبروی افراد را برجسته کرده‌اند. در اسلام نیز هیچ بهانه‌ای، مجوز ورود به منطقه ممنوعه و حریم خصوصی افراد نمی‌شود حتی اگر به قصد نهی از منکر باشد.

۲-۲- تعارض

تعارض در لغت به معنای یکدیگر را پیش آمدن، متعارض یکدیگر شدن و معارضه کردن با هم و معارضه به معنای در برابر دیگری پیش آمدن است. (بیهقی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص. ۸۵۳) در اصطلاح اصول فقه، تعارض، تنافی داشتن مقتضای دو یا چند دلیل با یکدیگر است، به طوری که با هم متضاد یا متناقض

^۱ احدى در زندگى امور خانوادگى، اقامت يا مكاتبات خود نبايد مورد مداخله هاى خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نبايد مورد حمله قرارگيرد، هر كس حق دارد كه در مقابل اينگونه مداخلات و حملات مورد حمايت قانونى قرارگيرد.

^۲ هيچكس نبايد در زندگى خصوصى و خانواده و اقامتگاه يا مكاتبات مورد مداخلات خودسرانه يا خلاف قانون قرار گيرد و همچنين شرافت و حيثيت او نبايد مورد تعرض غيرقانونى واقع شود.

باشند به نحوی که جمع میان مدلول آن دو دلیل ممکن نباشد. مانند آن که دلیلی بر وجوب کاری دلالت کند و دلیلی دیگر بر حرمت یا واجب نبودن آن. (شوکانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص. ۸۸۳).

۳- قوام ازدواج به زوجین

مشهور فقهاء ازدواج را به معنای عقد و قراردادی دو طرفه می دانند.^۱ (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص. ۶؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص. ۳۴۶؛ مقداد سیوری، ۱۴۲۵، ج ۲، ص. ۲۶۲) ضمن اینکه عقد نکاح یک عقد معاوضه ای است. مثل بیع، اجاره و... بر همین اساس در فقه و شریعت اسلام قوام هر عقدی به عوضین بستگی دارد همچنان که قوام بیع به مبیع و ثمن است قوام ازدواج نیز طرفین عقد، زن و شوهر که جزء ارکان نکاح نیز می باشند. (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۳، ص. ۱۹۴-۲۱۰) لذا نتیجه عقد نکاح برای مرد لذت جویی از زن است و مرد باید در مقابل به او عوض (مهریه) بپردازد.^۲ (کلوذانی، ۱۴۳۷، ص. ۵۰۰) هریک از فقهاء شیعه و سنی به گونه ای بر همین مطلب مذکور صحه گذاشته و آن را تأیید می کنند. (جزیری، ۱۴۱۹، ج ۴، ص. ۱۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص. ۴۲۱؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۳، ص. ۲؛ مقداد سیوری، ۱۴۲۵، ج ۲، ص. ۱۳۳) هر چند در عقود معاوضه ای ذکر عوض شرط صحّت است اما در نکاح به این دلیل که هدف اصلی از نکاح، استمتاع جنسی نیست بلکه بقاء نسل و تشکیل خانواده است. بنابراین شباهت کمتری به معاوضات دارد و لذا ذکر مهریه در آن شرط صحّت نیست. با این اوصاف می توان گفت ازدواج شبیه خرید و فروش کالا نیست تا با مبادله ثمن و مثن کار به پایان رسد و یا اجاره ساختمان برای اسکان و یا تجارت نیست که صرف منفعت آن مورد توجه باشد و با پرداخت وجه آن به موجر کار به اتمام برسد. بلکه در ازدواج، دو نفس، دو اندیشه و تفکر جدا از هم که با هم طی قراردادی در ارتباط با هم قرار می گیرند که ممکن است تفاوت های فردی زیادی نسبت به هم داشته باشند و یا از مذهب و ملیت مشترکی نباشند. لذا دو طرف قرارداد، با دو تفکر، اندیشه، ذوق و سلیقه مستقل از هم، خواسته و مطلوب به خود را نیز دارا هستند. که ضمن بستن عقد نکاح و آغاز زندگی مشترک می توانند به عنوان یک تاجر، معلّم، پزشک و... فعالیت داشته باشند. یا با دیگران ارتباط سالم برقرار کنند و یا دارای افکار متعارض و متضاد نسبت به هم نیز باشند.

^۱. مشهور بین فقها این است که کلمه نکاح شرعاً به معنی عقد است.

^۲. الحاصل للزوج بعقد النكاح، هو المنفعة والعوض يقابلها.

۴- استقلال زوجین

در شریعت اسلام عقد نکاح، انعقاد نوعی قرارداد بین زن و مرد است که دارای منافع و مضارّ مستقلّی از یکدیگرند و هیچ یک از آن دو نمی تواند خواسته های خود را به دیگری تحمیل کند. چرا که مالکیت هر کس مربوط به خودش می باشد به گونه ای که پدر نمی تواند ادعا نماید که مالک فرزندش است. لذا بر همین اساس در فقه اسلامی، ولایت پدر بر دختر مورد بحث و اختلاف نظر است و عده ای آن را می پذیرند و عده ای هم آن را نمی پذیرند و دلیل کسانی که ولایت پدر بر دختر را نمی پذیرند هم همین نکته است که هر کس مالک حریم خویش است. در فقه حنفی (مرغینانی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۲۷) و شافعی (شریبینی، بی تا، ص ۳۴۹) نیز همین بحث آمده است، حنفی ها می گویند پدر چنین ولایتی ندارد، شافعی ها می گویند که پدر چنین ولایتی را دارد و امامیه (محقق حلّی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۷۶) هم بخشی حرف حنفی ها را می زند و عده ای حرف شافعی ها را باور دارند. البته اندیشمندان علوم مختلف منجمله جامعه شناسان، زیست شناسان، روانشناسان، فیزیکدانان و... دارای افکار متضاد هم می باشند. حتی در میان اندیشمندان اسلامی نیز دو فقیه دارای دو افکار متضاد نسبت به هم بوده و هر یک از آن ها فهم و تفسیر و نظر خود را بیان می نمایند. در نظام طبیعی آفرینش عالم نیز در هیچ رشته ای و یا افکاری شبیه به هم وجود ندارد بر همین اساس در یک خانواده نیز زن و مرد و فرزندان دارای فکر و اندیشه مستقل و ویژگی های منحصر به فرد خود می باشند. پس می توان نتیجه گرفت که استقلال و وجود حریم انسان ها یک امر طبیعی است. و هر کس مالک حریم خود می باشد چنانچه خداوند متعال نیز دیگران را بدون اجازه از ورود به حریم دیگران منع نموده اند.^۱

خداوند متعال در بسیاری از موارد، مردم را از ورود به حریم یکدیگر منع نموده است. از بعضی آیات استفاده می شود که افراد از ورود به حریم نزدیکان خود منع شده اند و همانند بیگانگان، محروم از اطلاع یافتن یا ورود پیدا کردن در امور آن ها می باشند. ممنوعیت گمان بد، تجسس و غیبت در اسلام

^۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَمَلَكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۲۷﴾ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (نور، ۲۷-۲۸).

مصدق بارز آن می باشد.^۱ در حقیقت گمان بد، عاملی است برای جستجوگری، و جستجوگری عاملی است برای کشف اسرار و رازهای نهانی مردم، و اسلام هرگز اجازه نمی دهد که رازهای خصوصی آن ها فاش شود. به تعبیر دیگر اسلام می خواهد مردم در زندگی خصوصی خود از هر نظر در امنیت باشند. بدیهی است اگر اجازه داده شود هر کس به جستجوگری در باره دیگران بر خیزد حیثیت و آبروی مردم بر باد می رود، جهنمی به وجود می آید که همه افراد اجتماع در آن معذب خواهند بود. البته این دستور منافاتی با وجود دستگاه های اطلاعاتی در حکومت اسلامی برای مبارزه با توطئه ها نخواهد داشت، ولی این بدان معنی نیست که این دستگاه ها حق دارند در زندگی خصوصی مردم جستجوگری کنند... و به این ترتیب گمان بد سرچشمه تجسس، و تجسس موجب افشای عیوب و اسرار پنهانی، و آگاهی بر این امور، سبب غیبت می شود که اسلام از معلول و علت همگی نهی کرده است. سپس برای این که قبح و زشتی این عمل را کاملاً مجسم کند آن را در ضمن یک مثال گویا ریخته، می گوید: «آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد.»؟ (أُيْحَبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا). آری آبروی برادر مسلمان همچون گوشت تن اوست و ریختن این آبرو به وسیله غیبت و افشای اسرار پنهانی همچون خوردن گوشت تن اوست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۸۴)

در روایات نیز تجسس و کنجکاوی نسبت به امور دیگری منع گردیده است. چنانکه رسول اکرم (ص) نیز تمامی افراد را از تجسس در اسرار دیگران نهی کرده است که فرمودند: از گمان بد بپرهیزید، چرا که گمان بد، سخن را در گرداب دروغ می افکند، از کنجکاوی و پاییدن یکدیگر بپرهیزید، از حال کسی تفتیش مکنید، از یکدیگر تعریف و تمجید مکنید، بدخواه یکدیگر نباشید، کینه یکدیگر را به دل

^۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (الحجرات، ۱۲) «هان ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری گمان ها اجتناب کنید که بعضی از گمان ها گناه است، و از عیوب مردم تجسس مکنید و دنبال سر یکدیگر غیبت مکنید، آیا یکی از شما هست که دوست بدارد گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ قطعاً از چنین کاری کراهت دارید و از خدا پروا کنید که خدا توبه پذیر مهربان است.»

مگیرید، به هم پشت نکنید و با بندگان خدا برادروار زندگی کنید.^۱ (بخاری، بی تا، ج ۴، ص ۶۰؛ قُرطبی، بی تا، ج ۱۶، ص ۳۳۱)

بر همین مبنا هیچ کس حق ندارد در خصوص اسرار زندگی و یا اشتباهات و گناهان گذشته دیگری تجسس نمایند. چنانکه در کتاب شرح جنود عقل و جهل (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۵) نیز آمده است که کتمان گناه دو فایده و خاصیت دارد یکی این که اگر انسان گناه خود را بازگو نکند به مرور زمان تحت تأثیر آن رفتار، خود را اصلاح می‌کند چرا که کتمان گناه باعث می‌شود تا شاید شخص به اشتباه خود پی ببرد و به درگاه خداوند توبه نماید و دوم این که وقتی شخص گناهکار، گناه خود را بازگو نمی‌کند زن و فرزندان و اطرافیان او هم به سادگی آلوده گناه نمی‌شوند.

در فتوای بعضی از فقهاء شیعه و اهل سنت خصوصی بودن مالکیت هر شخص نسبت به داشته ها و درآمدهای آن شخص را تأیید می‌کند، به این مفهوم که کسی حق ندارد بدون اجازه، وارد حریم خصوصی دیگری شود. وارد منزل دیگری شود و یا از مال او بدون اجازه اش چیزی را بردارد، مگر در حالت اضطرار و اعسار، یعنی روابط نسبی مثل پدر، مادر، فرزند نیز نمی‌تواند مجوزی برای ورود افراد به حریم خصوصی دیگری باشد. (شوکانی، ۱۴۳۴، ص ۳۷۹؛ حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۶۲-۱۶۴؛^۲ ابن قیم الجوزیه، ۱۴۳۳، ج ۲، ص ۵۰۱؛ حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۷۲-۲۷۴؛ حلی، ۱۴۰۴، ج ۱۹، ص ۱۰۷؛^۵

۱. إياكم و الظنّ فإنّ الظنّ أكذب الحديث و لاتحسسوا و لاتنجسوا و لاتناجشوا و لاتحاسدوا و لاتباغضوا و لاتدابروا و كونوا عباد الله إخوانا.

۲. لا يحلّ لكلّ من الزّوجين أن يأخذ من مال الآخر شيئاً، لاصاله عضمه مال الغير، ألّا بإذنه، فإن سوغت له ذلك حلّ. والولد يحرم مال والده فلا يحلّ له أن يأخذ منه شيئاً ألّا بإذنه. ويحرم على الولد أن يأخذ من مال والده شيئاً ألّا بإذنه..

۳. يحرم على الأب أن يأخذ مال ولده البالغ مع غناه عنه، أو انفاق الولد عليه قدر الواجب، و لو كان الولد صغيراً، جاز للأب أخذ ماله قرضاً عليه، مع يساره و اعساره... ويجوز أن يشتري من مال ولده الصّغير بالقيمة العدل، و يبيع عليه كذلك... ويجوز للأب المعسر أن يتناول قدر الكفايه من مال ولده الصّغير والبالغ مع الامتناع من الانفاق عليه...

۴. يحرم على الرّجل أن يأخذ من مال والده شيئاً و إن قلّ بغير إذنه ألّا مع الضّروه.. يحرم على الأم أخذ شيء من مال ولدها، صغيراً أو كبيراً، و كذا الولد لا يجوز من مال والدته شيئاً و لو كانت معسره و هو مؤسراً أجبر على نفقتها على ما يأتي ...

۵. لا يجوز للمرأة أن تأخذ من مال زوجها و إن قلّ ألّا بإذنه.

محقق حلی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۹۴) پس می توان گفت با توجه به اینکه جامعه امروزی از رشد تکنولوژی خصوصاً در فضای رسانه ای برخوردار است و فضای مجازی دسترسی به حریم دیگران را بسیار راحت تر از گذشته نموده است باید مراقب بود تا به حریم خصوصی دیگران ورود پیدا نکند. بنابراین زوجین و دیگر اعضای خانواده حق ندارند لوازم شخصی یکدیگر نظیر کیف، گوشی موبایل، تبلت، لپ تاب و... و یا حتی معاشرت و رفت و آمد با دوستان را کنترل نمایند چرا که گاهی عدم رعایت حریم خصوصی و ورود به آن ممکن است آبروی مسلمان ها را به خطر بیندازد و زندگی خانوادگی آنها را مختل نماید و در نهایت جامعه را به ورطه نابودی بکشاند.

بر همین مبنا در اسلام هیچ بهانه ای، مجوز ورود به منطقه ممنوعه و حریم خصوصی افراد نمی شود حتی اگر کسی به قصد نهدی از منکر بخواهد وارد حریم خصوصی افراد بشود نیز جایز نخواهد بود. (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰، ص ۳۱۸؛ زحیلی، ۱۴۳۲، ص ۳۹۴؛ فاخر الجزایری، ۱۴۳۵، ص ۲۳۴)

۵- عدم امکان رفع تعارض استقلال زوجین با استحکام خانواده صرفاً بر اساس فتوهای فقهی در یک نگاه سطحی تصور می شود که عدم انجام توصیه های دینی و فتوهای فقهاء، مساوی با ارتکاب گناه است و رفع هر مشکل و تعارضی جز با مراجعه به کلام فقهاء و فتوهای موجود بر طرف نخواهد شد. اما پس از تحقیق و جستجو در شریعت اسلام و کلام اکثر فقهاء و بحث و بررسی پیرامون مشکلات مذکور، این نتیجه حاصل شد که این فتواها به تنهایی نمی توانند حلال مشکلات باشند و تعارض را بر طرف نمایند بلکه برخی از این فتاوی، چنانچه بدون توجه به بعضی از آیات و روایات و یا رفتارهای رایج عرفی در جامعه به مرحله عمل در آید مشکل آفرین نیز خواهند بود و بنیان خانواده را سست خواهد نمود. لذا وقتی در شریعت گفته می شود که کسی نمی تواند همسرش را وادار به کار در منزل (نظافت، پخت و پز) نماید به همین نسبت نیز می توان گفت مرد هم در قبال زن در بسیاری از موارد غیر از نفقه و وظیفه ای نخواهد داشت. و یا اگر گفته شود زن حق ندارد بدون اجازه، از مال شوهرش

۱. و لا يجوز للمرأة أن تأخذ من بيت زوجها من غير أمره و إذنه. والوالدة لا يجوز لها أن تأخذ من مال ولدها شيئاً إلا على سبيل القرض على نفسها.

حتّی به مقدار کم چیزی بردارد و یا مرد از مال همسرش بدون اجازه او چیزی بردارد حرام است.^۱ (جبعی عاملی «شهید ثانی»، ۱۴۱۹، ص. ۵۲۴؛ حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۳؛ ۱۳۸۷، ج ۱، ص. ۴۱۱) و یا فرزند نمی تواند بدون اجازه پدرش چیزی از مالش را بگیرد...^۲ (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص. ۳۴۵؛ ۱۳۹۰، ج ۳، ص. ۵۰؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص. ۲۶۳) و یا اینکه مادر چیزی از مال فرزند خود بدون اجازه اش بگیرد حرام است و بر عکس، ... و یا جایز نیست که دختر و خواهر و مادر و کنیز بدون اجازه یکدیگر از مال هم بخورند.^۳ (حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص. ۱۳) و یا پدر حق ندارد از مال فرزندش بردارد مگر به اندازه ضرورت و قرض...^۴ (ابن قیمّ الجوزیه، ۱۴۳۳، ج ۲، ص ۵۰۱) عملاً این فتواها با زندگی مشترک که بر اساس اعتماد و حسن ظن و همکاری متقابل بنا شده است همخوانی ندارد. چرا که عمل به برخی از این فتواها که توصیه به رعایت حریم خصوصی زوجین نموده اند با مفهوم خانواده که بر مبنای مشارکت و همکاری متقابل زوجین جهت گذران زندگی مشترک خصوصاً تربیت فرزندان، خدمات منزل و به نوعی در کنار هم بودن است تعارض خواهد داشت. لذا چنانچه اگر زن و شوهر بخواهند حریمشان را از هم حفظ نمایند قطعاً زندگی مشترکشان دچار مشکل و آسیب خواهد شد. به همین دلیل مشکلات مطرحه و حلّ این تعارض با فتوهای موجود، امکان پذیر نمی باشد. در نتیجه نیاز به تحقیق بیشتری در شریعت دین وجود دارد تا بتوان با تکیه بر آن این تعارض را رفع نمود.

۱. و یحرم علی الزوجه أن تأخذ من مال زوجها بغير اذنه شيئاً و إن قلّ... و یحرم علی الزوج أن يأخذ من مال زوجته شيئاً إلا بإذنها.

۲. الولد من مال والده شيئاً إلا بإذنه. لا يجوز للولد أن يأخذ من مال والده شيئاً علی حال، إلا بإذنه.

۳. و یحرم علی الأم أن تأخذ من مال ولدها شيئاً و بالعکس إلا مع الاذن، و لیس لها أن تقترض من مال ولدها الصغیر. " و لیس للبت و لا الأخت و لا للأُم و لا للأمه تناول المأدوم إلا مع الإذن.

۴. یحرم علی الأب أن يأخذ مال ولده البالغ مع غناه عنه، أو انفاق الولد علیه قدر الواجب، و لو کان الولد صغیراً، جاز للأب أخذ ماله قرضاً علیه، مع بساره و اعساره... و یجوز أن یشتري من مال ولده الصغیر بالقیمه العدل، و یبیع علیه كذلك... و یجوز للأب المعسر أن یتناول قدر الکفایه من مال ولده الصغیر و البالغ مع الامتناع من الانفاق علیه...

۶- اقتضای عرف: استقلال یا ائتلاف زوجین

علی رغم اینکه از منظر دینی زوجین و دیگر اعضاء خانواده در بسیاری از امورات حقوقی مستقل از هم می باشند و حق ورود به حریم خصوصی هم را ندارند. ولی در ظاهر مشاهده می شود که مردم جامعه کمتر به این توصیه ها عمل می کنند و آنچه در عمل پیاده می شود آن چیزی است که در جامعه اپیدمی و فراگیر شده و آحاد جامعه آن را پذیرفته اند. به این مفهوم که افراد در عمل به سراغ رفتارهای عرفی جامعه می روند و بر این باورند که این رفتارها نه تنها در تضاد با شرع نیست بلکه مورد تأیید شرع نیز می باشد. لذا ائتلاف و ائتلاف، دلسوزی، کمک و احترام نسبت به یکدیگر از اقتضات عرف است که زوجین به آن عمل می نمایند ضمن اینکه زن و شوهر برای آسایش و استحکام زندگی مشترک و به علت کم رنگ بودن بعضی فتواها در جامعه به ناچار می بایست به یک سری نیازهایی که وظیفه دو طرف نیست نیز تن دهند و در نهایت به نوعی با عرف جامعه خود را تطبیق دهند تا دچار مشکلات عدیده خانوادگی نگردند. بر این مبنا به شیوه عرفی زندگی و معتبر بودن شیوه عرفی با ملاحظه مبانی شرعی می پردازیم:

۶-۱- شیوه عرفی زندگی خانوادگی و استحکام خانواده

هر یک از زوجین و دیگر اعضاء خانواده در زندگی مشترک از دو جنبه فردی (خصوصی) و جنبه مشترک (عمومی) برخوردارند، در جنبه های مشترک و عمومی، زن و شوهر و فرزندان دارای منافع و مصالح مشترک می باشند و بر همین اساس عملکرد هر یک از آنها به هم مربوط می باشد. چرا که سرنوشت هر یک از آنها به یکدیگر گره خورده است. در این جنبه زن و شوهر و دیگر اعضاء خانواده با همفکری و هم اندیشی به سر و سامان دادن زندگی می پردازند و امور مربوط به همدیگر را با رعایت خواسته و نظر جمعی آن هم بر اساس قوانین موجود که بر گرفته از شریعت و عرف رایج جامعه است عملیاتی می نمایند. که امروزه در رفتارهای اعضاء خانواده و عرف جامعه کاملاً مشهود است. اما همین افراد در قالب یک خانواده علاوه بر جنبه های مشترک، دارای جنبه های فردی و یا خصوصی نیز می باشند به گونه ای که در جنبه های فردی و یا خصوصی، هر یک از اعضاء خانواده خصوصاً زوجین در بسیاری از امور زندگی دارای حریم خصوصی نسبت به یکدیگرند و هیچ یک از آنها حق ندارند وارد

حریم خصوصی یکدیگر شوند.^۱ (شوکانی، ۱۴۳۴، ص ۳۷۹) لذا جهت تقریب به ذهن می توان از یک شرکت خصوصی نام برد که عده ای در آن شرکت، در یک شغل و حرفه خاصی مشغول به کار هستند و به همان نسبت همه آن افراد در کار مشترکشان تعهد و مسئولیت های مشترک دارند به نحوی که هریک از آنها موظفند بر اساس مسئولیت ها و وظایف محوله کاری را انجام دهند. لذا این افراد ضمن اینکه دارای مسئولیت و تعهدات مشترک هستند فردیت و یا حریم خصوصی هریک از آنها مستقل از شغل آنها نیز وجود دارد به این مفهوم که در یک کار اداری که افراد شاغل در آن کار دارای وظایف و مسئولیت های خاص نسبت به آن کار مشترک دارند با هم همکاری می کنند و چون سود و زیان حاصله از آن کار به همه آنها بر می گردد به ناچار به جهت سود و ضرر مشترک می بایستی با همفکری و مشورت با هم آن کار را برنامه ریزی و به سرانجام برسانند چرا که تک روی در کار توسط هریک از افراد می تواند ضرر و زیان جبران ناپذیر به کل مجموعه ایجاد نماید و همه آنها را متضرر نماید. بنابراین هر یک از اعضاء آن شرکت در خصوص مسائل مربوط به مسئولیت ها و تعهداتشان که بر اساس قوانین موجود که آن هم برگرفته از شریعت و عرف رایج شرکت هاست مستلزم همکاری فیما بین هستند و چنانچه با همفکری و مشورت دچار ضرر و زیان شوند کسی ضامن نخواهد بود. اما چنانچه هریک از افراد بر مبنای تشخیص و تصمیم شخصی خود و بدون مشورت و استفاده از خرد جمعی کاری را انجام دهد قطعاً همان فرد ضامن خواهد بود و باید پاسخگوی ضرر وارده نیز باشد. اما جنبه فردی و خصوصی هریک از این افراد در جای خود باقی است. لذا هریک از افراد می توانند علاوه بر تعهدات جمعی و مشترک در آن شرکت، دارای حریم فردی و خصوصی باشند که هیچ ارتباطی به شغلشان نداشته باشد و دیگران نیز حق مداخله در آن را ندارند نظیر انجام عبادت، تجارت شخصی و ارتباط با خویشاوندان و دیگر نیازهای افراد که جنبه فردی دارد.

۱. لا یحلّ لکلّ من الزّوجین أن یأخذ من مال الآخر شیئاً، لاصاله عصمه مال الغیر، ألاً یأذنه، فإن سوّغت له ذلک حلّ.

بر همین اساس اعضاء خانواده نیز علاوه بر داشتن جنبه های فردی، از جنبه های جمعی هم برخوردارند که مربوط به خانواده و مصلحت زن و شوهر می باشد و آن جنبه های جمعی که به شوهر و همسر و فرزندان بر می گردد مسائل مشترک آنهاست می تواند بر گرفته از قوانین موجود و رفتارهای عرفی رایج جامعه باشد. در نتیجه نیازمند به تصمیمات مشترک نیز می باشند و شایسته نیست که هر یک از آنها در امور مربوط به زندگی مشترک، تصمیم فردی و شخصی بگیرند و در صورت اخذ تصمیم فردی، چنانچه ضرری به افراد خانواده وارد گردد آن شخص ضامن بوده و در نتیجه باید پاسخگو باشد و بر همین مبنا می گوئیم که تصمیمات جمعی در امور مشترک زندگی حائز اهمیت است. اما این باور و ایده که می گوئیم جنبه مشترک در خانواده دارای اهمیت است معنایش این نیست که جنبه فردی اهمیتی ندارد. چرا که هر یک از زن و شوهر و فرزندان به عنوان یک موجودی به نام انسان، دارای اوصاف، خلقیات، هویت و روحیات خاص خودشان می باشند. بنابراین اگر هر یک از زن و یا شوهر و فرزندان دارای ویژگی های منحصر به فردی باشد به این معنی نیست که دیگری هم مثل او باشد و یا مثل او فکر کند. مثلاً چنانچه مردی دارای اخلاق حسنه و یا از علوم متعددی بهره مند باشد به این معنی نیست که می بایست همسر و فرزندان او نیز دارای چنین ویژگی هایی باشند. چون هر یک از آنها دارای اوصاف مربوط به خودشان می باشند که متفاوت از هم است. لذا به همان صورت که زوجین و فرزندان دارای اوصاف متفاوت هستند به همان نسبت نیز می توانند از حقوق مستقل نیز بهره مند باشند که همین دارا بودن حقوق مستقل از همدیگر، برای هر یک از زوجین و فرزندان^۱ (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۵۰۳؛ کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۷۱۹) ایجاد حریم خصوصی می نماید به گونه ای که هیچ یک از آن دو بدون اجازه هم حق ورود به حریم دیگری را نخواهد داشت. (حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۳ و ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۱۱) و بر همین مبنا می توان گفت که هر یک از آن ها ضمن اینکه می

^۱أَنَّ اللَّهَ لَا يَأْخُذُ مِنْ مَالِ وَالِدِهِ شَيْئاً أَلَّا يَأْذَنَهُ ، وَالْوَالِدُ يَأْخُذُ مِنْ مَالِ ابْنِهِ مَا شَاءَ ، وَ لَهٗ أَنْ يَقَعَ عَلَى جَارِيَةِ ابْنِهِ...

توانند دارای شغل مستقل، درآمد مستقل و... باشند جهت پیشبرد اهداف مشترک در امور جمعی با همفکری و تعامل به تقویت نهاد خانواده پردازند و آن را از آسیب مصون نگه دارند.

۲-۶- معتر بودن عرف زندگی خانوادگی بر اساس مبانی شرعی

آنچه که در این مسأله مورد توجه قرار گرفته است ارتباط امور رایج عرفی بر اساس مبانی شرعی است. البته منظور از عرف، عرف مورد تأیید شرع می باشد. و بر اساس قاعده فقهی «و ما هو ثابت فی العرف ثابت فی الشرع»^۱ در شریعت نشانه هایی از تأیید عرف مشاهده می گردد که می توان گفت برخی از امورات رایج در بین مردم برگرفته از مبانی شرعی است که مردم به آن عمل می کنند. چنانکه پیامبر اکرم(ص) پس از ازدواج حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه زهرا(س) امور مربوط به منزل و بیرون را بین داماد و دخترش تقسیم نمود.^۲ (سرخسی، ۱۴۰۶، ج ۱۶، ص. ۵۵) که ابوالبختری^۳ نیز در روایتی از امام باقر(ع) نیز همین روایت را نقل کرده است. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص. ۱۷۲) و یا عیاشی^۴ در تفسیر خود از امام باقر(ع) نقل کرده است که فاطمه(س) برای علی(ع) متعهد شد که کار خانه و پخت نان و نظافت خانه را انجام دهد و حضرت علی(ع) متعهد شد که کارهای بیرون منزل مانند آوردن هیزم و طعام را انجام دهد. طبرسی در مکارم الاخلاق روایتی دیگر^۵ (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص. ۲۵۳-۲۵۴) از پیامبر(ص) نقل کردند که فرمود: حقّ مرد بر زن آن است که چراغ منزل را روشن کند و غذا را آماده نماید و هنگام ورود به او خوش آمد گویی کند و حوله به او دهد و در وضو گرفتن به او کمک

۱. آنچه که در عرف قابل اثبات است در شرع نیز می تواند قابل اثبات باشد.

۲. علی ما روی أن النبی(ص) لما زوج فاطمه من علی رضی الله عنهما جعل امور داخل البيت علیها و امور خارج البيت علیه.

۳. عن أبي البختري عن أبي عبد الله ع عن أبيه ع قال: تقاضى علي و فاطمة إلى رسول الله ص في الخدمة - فقضى علي فاطمة ع بخدمتها ما دون الباب - و قضى علي علي ع بما خلفه قال - فقالت فاطمة فلا يعلم ما دخلني من السرور - إلا الله بكفائي رسول الله ص تحمّل أرقاب الرجال.

۴. العیاشی فی تفسیره، ... أبي جعفر ع قال: إن فاطمة ع ضمنت لعلی علیه السلام عمل البيت و العجین و الخبز و قم البيت و ضمن لها علی ع ما كان خلف الباب نقل الحطب و أن یجیء بالطعام.

۵. الحسن بن فضل الطبرسی فی مکارم الأخلاق، عن النبی ص أنه قال: حق الرجل علی المرأة إنارة السراج و إصلاح الطعام و أن تستقبله عند باب بيتها فترحب و أن تقدم إليه الطست و المنديل و أن توضئه و أن لا تمنعه نفسها إلا من علة غوالی الألی.

کند، آب بریزد و او را تمکین کند مگر این که مریض باشد..(محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص. ۲۵۳-۲۵۴) البته دیلمی در ارشاد القلوب و احساسی در عوالی اللئالی و محدث نوری در مستدرک الوسائل نیز با این مضمون مطالبی را آورده اند.^۱ (دیلمی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص. ۱۸۴؛ احساسی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص. ۱۲۹؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص. ۲۴۸)

لذا می توان از روایات و فتواهای موجود اینگونه استنباط کرد که پیامبر اکرم(ص) با تقسیم امور بین دختر و دامادش در صدد آن بود که یکی از رفتارهای رایج عرفی جامعه را تأیید نماید. چنان که این امر در جامعه امروزی مسلمانان نیز به وضوح قابل مشاهده است. با این توصیف، از کلام فقهاء و فتواهای آنها استنباط می شود که مسلمانان با دو رویکرد و راهکار دینی و عرفی در زندگی مشترک زناشویی و خانوادگی به امورات روزمره خود می پردازند. از منظر و رویکرد دینی، زن و مرد در بسیاری از امور مستقل از هم هستند. یعنی هر یک از زن و شوهر دارای حریم خصوصی اند و هیچ یک از آن دو حق ندارند در امور خصوصی دیگری دخالت کند و یا همدیگر را به کاری که جزء وظیفه آنها نیست وادار نماید. اما علی رغم قبول این مسأله توسط زوجین، چنانچه عرف چیزی را در مرحله عمل بیسندد که به آنها نفع برساند و یا از آسیب جلوگیری کند خود را ملزم به انجام آن می کنند. همچنانکه علی رغم دستورات دینی در خصوص منع تبرّعی کار زن در منزل، به جهت اینکه عرف آن را در مرحله عمل پذیرفته، مردم به آن عرف عمل می کنند. یعنی با توجه به این که زن و مرد از منظر دینی در بسیاری از موارد نسبت به هم وظیفه ای ندارند ولی عملاً دیده می شود که بر مبنای عرف نسبت به هم وظایفی دارند که باید به آن پایبند باشند.^۲ (سرخسی، ۱۴۰۶، ج ۱۶، ص. ۵۵)

۱. وَقَالَ (ع) كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ.

۲. و إذا إستأجر الرجل إمرأته لتخدمه كل شهر بأجر مسمى لم يجز لأن خدمه البيت مستحقه عليها ديناً، و مطلوب منها بالنكاح عرفاً.

۷- حلّ عرفی تعارض تحکیم خانواده و وجود حریم خصوصی برای زوجین

بنا بر اظهار بعضی از فقهاء از منظر دینی، زوجین ملزم و متعهد به انجام بعضی از کارهای متعارف در زندگی روزمره در خانه نیستند ولی عرفاً ملزم به آن می باشند.^۱ (سرخسی، ۱۴۰۶، ج ۱۶، ص ۵۵ و ۵۶) لذا وقتی فقیه عالیقدر شمس الدین سرخسی صحبت از عرفیه مورد تأیید شریعت را مطرح می کند و می فرماید زن و مرد می توانند رفتار مستقلّ از هم داشته باشند اما عرف اقتضاء می کند که با همدیگر بگونه ای مرتبط باشند که خانواده آسیب نبیند. چرا که عرف اجتماعی در زمان پیامبر(ص) به همین رویه متداول بوده است. لذا می توان اینگونه استنباط کرد که پیامبر(ص) با دو هدف مهم به حضرت فاطمه(س) توصیه فرمودند که کار منزل را انجام دهند. یکی از جهت استحکام خانواده که رفتار زن و مرد بایستی به گونه ای باشد که خانه و خانواده بنیان مرصوص شود و پایه های آن استوار و غیر قابل تزلزل گردد. از جهت دیگر پیامبر(ص) می خواست اعمال اجباری در خانواده را نفی نماید و و این بیان پیامبر صرفاً از باب وظیفه و تکلیف شرعی نبوده بلکه خواسته است آن چه را که در عرف در جریان بوده و باعث استحکام و تثبیت خانواده نیز بوده است را تأیید و به صورت توصیه ای به مردم جامعه بفهماند. لذا منظور پیامبر از فعالیت و همکاری زن در خانه لزوماً خدمات زن در خانه و نفی استقلال او نیست بلکه استقلال رفتاری زن محفوظ بوده و می تواند انتخابگر باشد. یعنی هر یک از آن دو در کنار تعامل و همکاری متقابل، با جلب رضایت یکدیگر، می توانند از درآمد و شغل مستقلّی نیز برخوردار گردند بدون اینکه آسیبی به زوجین و در نهایت خانواده وارد شود.

هر چند این توصیه پیامبر(ص) در میان بعضی مسلمان ها در حدّ یک وظیفه برای زن معنا گردیده است ولی عموماً آن را یک توصیه اخلاقی جهت تحکیم خانواده دانستند. لذا برای اینکه خانواده آسیب نبیند عرفی را که پیامبر در این روایت بیان فرموده به عنوان یک اصل قرار داده و آنچنان برجسته گردیده است بگونه ای که عرف به هیچ عنوان نمی پذیرد که زن پس از ازدواج در امور منزل مشارکت نداشته باشد و یا ترک امور منزل توسط زوجه و عدم رسیدگی به امور مورد نیاز شوهر ناپسند شمرده می شود

^۱ و لأنّ الشّرع ألزّمه نفقتها لتقوم بخدمه بيته فلا تستحقّ مع ذلك أجراً آخر، ... لأنّ هذا العمل غير مستحقّ عليها ولا مطلوب بالتكاح منها. إن استأجر الرّجل ابته لخدمه في بيته لم يجز ولا أجر عليه لأنّ خدمه الأب مستحقّ على الإبن ديناً و هو مطالب به عرفاً.

و نشانه ناسازگاری زوجه است. همچنان که عرف هیچ گاه نمی پذیرد که شوهر صرفاً به نفقه اکتفا کند (ابن قیم الجوزیه، ۱۴۳۳، ج ۱، ص. ۵۸؛ ابن عبدالسلام، ۱۴۳۶، ج ۱، ص. ۱۰۱) و روش خود را این گونه قرار دهد که شبی را به خانه مشترک بیاید و شبی را در محل دیگری به استراحت بپردازد و یا اکثر اوقات جداگانه غذا بخورد و بعد به خانه بیاید، حتی اگر به او گفته شود که مرد از نظر شرعی چنین حقی دارد. دلیل این رفتار این است که در نظر عرف ازدواج مساوی با مهر و محبت حداکثری زوجین است و با حاکمیت این جایگاه عرفی است که رفتارهای خلاف این مطلب ناپسند شمرده می شود و آن مرد فردی بی قید و بند در جامعه شناخته می شود حتی اگر آن مرد حق زن را در نفقه به نحو مطلوب و در خور و شأن او بپردازد. لذا انجام کارهای شخصی شوهر توسط زوجه دقیقاً مانند انجام کارهای مستحبی و افزون بر حقوق زوجه توسط شوهر است که در عرف مسلمانان رایج است اموری چون تلاش برای توسعه رفاه و بهداشت، اوقات فراغت را با همسر گذراندن، همه شب به خانه آمدن، رسیدگی به کارهای شخصی زن و حمایت همه جانبه از همه منافع او خارج از روابط دو جانبه موارد فراوانی از این قبیل در عرف و سیره مسلمانان وجود دارد که بیش از حدود نفقه واجب زوجه است. لذا همانطور که اشاره شد ترک آن در موارد زیادی قبیح و ناپسند شمرده می شود. ضمن اینکه رفتار زوجین در نگاه عرف بر اساس الزام و التزام طرفین نیست بلکه از آنجا که اصل پیوند زنا شویی بر اساس عشق و علاقه و عاطفه است و محیط خانواده در عرف هایی که از طبیعت اولیه انسانی فاصله نگرفته اند بر مدار محبت و مهرورزی است نه بر محور سود و زیان و انتفاع بیشتر و هزینه کمتر، نکته قابل توجه این است که این حس و عشق پاک در زنان بیشتر از مردان نمود می کند و صرفاً مختص زنان مسلمان و ایرانی نیست بلکه در میان دیگر زنان جوامع بشری هم چنین حس و نگاهی وجود دارد که در پژوهش های انسان شناختی، بر جهان شمول بودن تقسیم جنسیتی کارخانگی مهر تأیید می زند. به عنوان مثال جورج پیتز مور داک در تحقیق خود که ۲۲۴ فرهنگ را در بر می گیرد به این نتیجه رسید که کارهایی چون جمع آوری سبزیجات، حمل آب، آشپزی، دوزندگی و... معمولاً به زنان اختصاص دارند. پژوهش های دیگری نشان داده اند که حتی در جوامعی چون امریکا و انگلستان که برابری زن و مرد را سرلوحه خود قرار داده اند بیشتر کارهای خانه توسط زن انجام می گیرد، مثلاً در انگلستان در همین سال های اخیر در ۸۸ درصد خانه ها زنان مسئول

۱. كانت النفقة عوضاً عن البضع قدرها... ليست النفقة في مقابلة ملك البضع وإن ما هي في مقابلة التمكين، والبضع مقابل بالصدقاتين بدل الصداق معاوضة في مقابل بدل البضع فما تراضياً عليه جاز، قليلاً أو كثيراً.

شستشو و اتوکشی بوده‌اند و در ۷۷ درصد از خانه‌ها زنان به طور معمول غذای شب را آماده می‌کردند و در ۷۲ درصد از خانه‌ها نظافت را انجام می‌داده‌اند. (بستانی، ۱۳۸۸، ص. ۳۶)

با این توصیف برخی از امورات زندگی، اقتضاء عرفی دارد و برخی از این امورات، بر مبنای اقتضائات شرعی بنا گردیده است. لذا می‌توان گفت جنبه‌های شخصی و فردی امور، شرعی است و جنبه‌های اشتراکی و عمومی می‌تواند عرفی باشد. لذا آنچه که در عرف قابل اثبات است در شرع نیز می‌تواند قابل اثبات باشد. به عنوان مثال زن می‌تواند در مقابل آبیاری کردن باغ و یا چوپانی کردن گوسفندان و امثالهم اجرت دریافت نماید. اما این مسأله در خصوص نظافت منزل، شستشوی لباس و ظروف و نظایر آن مورد قبول نیست چرا که عرف اقتضاء می‌کند زن نظافت منزل، شستشوی ظروف و لباس و پخت و پز را مجاناً انجام دهد. و همانطوری که گفته شد برخی از فقهاء خدمت زن به شوهر و یا کار زن در منزل را به عنوان فعل مستحبی و دارای اجر و پاداش می‌دانند.^۱ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص. ۱۷۲) و یا گرفتن اجرت توسط زن در مقابل کار منزل را جایز ندانسته و آن را حق مرد می‌داند چرا که از حیث عرفی، خواسته از نکاح نیز خدمت زن در منزل است.^۲ (سرخسی، ۱۴۰۶، ج ۱۶، ص. ۵۵-۶۶؛ کاسانی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص. ۱۹۲) با این توصیف می‌توان گفت که امور جاری و حقوقی زوجین و دیگر اعضاء خانواده بر مبنای شرعی و عرفی پایه‌گذاری گردیده است و بر این اساس رعایت حریم خصوصی بر مبنای شرع و رجوع به عرف به جهت اعتبار آن بر اساس مبانی شرعی، هیچگونه منافات و تعارضی با استحکام خانواده نخواهد داشت.

۱. ورام بن ابي فراس في كتابه قال: قال ع الامراء الصالحه خير من ألف رجل غير صالح - و ايما امرأة خدمت زوجها سبعة أيام - أغلق الله عنها سبعة أبواب النار - و فتح لها ثمانية أبواب الجنة تدخل من أيها شاءت.

۲. ... لأن الشرع أزمه نفقتها لتقوم بخدمة بيته فلا تستحق مع ذلك أجراً آخر، ... لأن هذا العمل غير مستحق عليها ولا مطلوب بالنكاح منها. إن استأجر الرجل ابنه لخدمته في بيته لم يجز ولا أجر عليه لأن خدمة الأب مستحق على الإبن ديناً و هو مطالب به عرفاً ...

جمع بندی و نتیجه گیری

بر اساس بررسی ها و تحقیقات بعمل آمده در متون فقهی و منابع و ادله احکام در مذاهب اسلامی این نتیجه حاصل شد که رفتارهای مسلمان ها در زندگی خانوادگی بر مبناء توصیه های شرعی و عرفی پایه گذاری گردیده است. بنابراین علاوه بر وجود حریم خصوصی برای زوجین و دارا بودن منافع و مضار مستقل نسبت به یکدیگر، عرف رایجی هم در صدر اسلام در زندگی خانوادگی مشاهده می شود که نه تنها این شیوه عرفی از طرف شریعت نفی نگردید بلکه به نظر می رسد با دو هدف مهم مورد تأیید شرع نیز قرار گرفته است. اولین هدف آن، استحکام خانواده است که تعامل و همکاری زوجین می تواند تأثیر بسیار مطلوبی در تقویت روابط خانواده داشته باشد تا خانه و خانواده بنیان مرصوص و پایه های آن استوار و غیر قابل تزلزل گردد. و هدف دوم آن نفی اعمال اجباری در خانواده است، چرا که اینگونه توصیه ها از باب وظیفه و تکلیف شرعی نبوده بلکه در قالب توصیه اخلاقی بیان گردیده است لذا شریعت، آنچه را که در عرف جامعه در جریان بوده و باعث استحکام و تثبیت خانواده نیز بوده است را تأیید و به صورت توصیه ای به مسلمانها ابلاغ گردیده است. لذا نگاه شریعت مبنی بر فعالیت و همکاری زن در منزل بصورت الزام و نفی استقلال او نیست بلکه علاوه بر حفظ استقلال رفتاری زن، می تواند انتخابگر نیز باشد. یعنی هر یک از زوجین در کنار تعامل و همکاری متقابل، با جلب رضایت یکدیگر، می توانند از درآمد و شغل مستقلی نیز برخوردار گردند. بدون اینکه آسیبی به روابط زوجین و خانواده وارد شود. لذا بر همین اساس این رویه عرفی متداول صدر اسلام برجسته گردید و با برجسته شدن این شیوه عرفی، حاکمیت آن به جهت تقویت استحکام خانواده به اندازه ای مورد توجه قرار گرفت که تصور می شود اساساً با عقد ازدواج و تشکیل زندگی مشترک، انجام کارهای منزل و خدمت به شوهر بر عهده زوجه و انجام امور مربوط به تأمین هزینه های زوجه و زندگی مشترک بر عهده زوج است. بنابراین توصیه مذکور به صورت ارتكازی در عقد شرط می شود و قرارداد ازدواج بر همین مبنای واقع می شود به گونه ای که همه تصور می کنند اسم ازدواج برای زوجین تداعی کننده مسئولیت آنها در منزل و بیرون منزل است که همه این موارد حاکی از قبول اخلاقی زوجین به این امر در نظر عرف است به طوری که در شرایط عادی نیازی به ذکر صریح و نگارش آن در هنگام اجرای عقد نمی بینند ولی زوجین عملاً پس از عقد و استقرار در منزل و شروع زندگی مشترک آن را از هم مطالبه می کنند. نظیر شیردادن و تربیت فرزندان، پخت و پز غذا، شستشوی لباس و نظافت منزل و... توسط زن و یا برخی از خدمات مرد به زن غیر از نفقه،

همچنین احترام به پدر و مادر دو طرف، تحمل بعضی از رفتارهای یکدیگر و... و از آنجاییکه خداوند متعال نیز در قرآن کریم حکمت نکاح را سکونت و مودت نیز معرفی فرموده اند.^۱ بر این اساس در اسلام به زوجین توصیه گردیده است علاوه بر رعایت حریم خصوصی یکدیگر، برای ایجاد امنیت، آسایش و استحکام پیوند عاطفی خانواده و بهره مندی فرزندان از این پیوند عاطفی، از هیچ گونه فداکاری و خدمت به یکدیگر فرو گذار نکنند چرا که توجه به این توصیه ها و عمل درست به آن، خانواده نظم می یابد و فرزندان، یاری رساندن به همدیگر را فرا می گیرند. با این توصیف هر یک از زوجین می توانند با تعامل و همکاری و تأمین منافع و مضار مشترک جهت حفظ امنیت، آسایش و استحکام خانواده، بسیاری از مصادیق حریم خصوصی مورد تأکید شریعت منجمله تحصیل، شغل، درآمد و منافع مستقل نیز بهره مند گردند و از ورود به حریم شخصی یکدیگر نیز خودداری نمایند بدون این که به خانواده آسیبی برسد.

پیشنهادات

با توجه به اینکه یکی از دلایل اختلافات زوجین در جوامع اسلامی عدم شناخت حریم خصوصی و مصادیق آن حریم ها در کنار تعامل و همکاری زوجین با یکدیگر است ضرورت دارد تا پیشنهاد های ذیل پس از تحقیق جامع و بررسی های لازم از طریق نهادهای علمی و فرهنگی کشور در حوزه های مختلف جامعه به مرحله اجرا در آید:

- ۱- پیشنهاد می شود که بحث حریم خصوصی و تحکیم خانواده در قالب کتاب درسی تنظیم و در مدارس کشور به آموزش گذاشته شود تا افراد از دوران نوجوانی با حریم خصوصی و مصادیق آن آشنا شوند و زمانی که به سن ازدواج می رسند بدانند که جهت استحکام و دوام خانواده در کنار تعامل و همکاری متقابل، حریم خصوصی یکدیگر را نیز رعایت کنند.
- ۲- پیشنهاد می شود در کنار آموزش های قبل از ازدواج، حریم خصوصی زوجین نیز در قالب کلاس های آموزشی به زوج های جوان شناسانده شود تا با علم و آگاهی کامل به مصادیق حریم خصوصی وارد زندگی شوند و بدانند که علاوه بر مصادیق شناخته شده حریم خصوصی معرفی شده توسط شریعت، بسیاری از لوازم شخصی نظیر کیف، گوشی موبایل، لپ تاپ و

^۱ «مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم، ۲۱) «و از نشانه های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد...»

نظایر آن نیز حریم خصوصی محسوب می گردد و زوجین حق ندارند بدون اجازه یکدیگر به این حریم ورود پیدا کرد در نتیجه با رعایت حریم خصوصی و تعامل و همکاری در امور زندگی و تربیت فرزندان با الگوهای اسلامی شاهد خانواده ای با بنیان مرصوص و در شأن جامعه اسلامی باشیم. ان شاء الله...

منابع

قرآن کریم

امامی، سیدحسین (بی تا). حقوق مدنی. تهران: انتشارات اسلامی.

ابن عبدالسلام، عزالدین بن عبدالعزیز (۱۴۳۶). قواعد الاحکام فی اصلاح الانام. دمشق: دارالقلم.

ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغه. محقق: هارون، عبدالسلام محمد. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن قیّم الجوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۴۳۳). اعلام الموقعین عن رب العالمین. ریاض: دار ابن الجوزی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع دار صادر.

احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵). عوالی اللّغالی. قم: انتشارات سیدالشهداء.

بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا). الصحیح. بیروت: دارالمعرفه.

بستانی، حسین (۱۳۸۸). اسلام و تفاوت های جنسیتی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

بیهقی، احمد بن علی (۱۳۷۷). تاج المصادر. تهران: چاپ هادی عالم زاده.

جبعی عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف

الإسلامیة.

..... (۱۴۱۹). فوائد القواعد. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه

علمیه قم

جزیری، عبدالرحمن، غروی، سید محمد، یاسر مازح (۱۴۱۹)، الفقه علی المذاهب الاربعه و علی مذهب

الامامیه. بیروت: دارالتقلین.

- جعفری تبریزی، محمدتقی (١٣٧٠). تحقیق در دو نظام حقوقی جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب. تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (١٤٠٩). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام. و (بی تا). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حلی (علّامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (١٤١٤). تذکره الفقهاء (ط - الحديثه). قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- (١٤٢٠). تحریر الاحکام الشریعه علی مذهب الامامیه (ط - الحديثه). قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- (١٤١٧). کشف المراد، با تحقیق حسن حسن زاده آملی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- (١٤١٣). قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- (١٤١٣). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- (١٤١٤). تذکره الفقهاء (ط - الحديثه). قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- حلی (محقق)، نجم الدین جعفر بن حسن (١٤١٢). نکت النهایه - النهایه و نُکتهَا. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- دیلمی، حسن بن ابی حسن (١٤١٣). ارشاد القلوب. قم: انتشارات شریف رضی.
- زحیلی، محمد (١٤٣٢). حقوق الانسان فی الاسلام. بیروت: دار ابن کثیر.
- سرخسی، شمس الدین (١٤٠٦). المبسوط. بیروت: دار المعرفه للطباعه و النشر.
- سیوری، مقداد بن عبدا... (١٤٢٥). کنز العرفان فی فقه القرآن. قم: انتشارات مرتضوی.

شربینی، محمد بن محمد (بی تا). مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

شاطبی، اسحق (۱۴۲۷). الموافقات فی اصول الشریعه. القاهره: طبع دارالحدیث.

شوکانی، محمد بن علی (۱۴۳۴). السیل الجرار المتدفق علی حدائق الازهار. بیروت: دار ابن حزم.

..... (۱۴۲۱). ارشاد الفحول الی تحقیق الحق من علم الاصول. بیروت: چاپ محمد

صبحی بن حسن حلاق.

صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴). المحيط فی اللغه. محقق: آل یاسین، محمد حسن. بیروت:

عالم الکتاب.

صفایی حسین، امامی، اسدالله (۱۳۸۶). مختصر حقوق خانواده. تهران: میزان.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. (مترجم: موسوی همدانی، سید محمد باقر)

قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مکتبه المرتضویه.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الأحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه. (۱۳۹۰ ش)،

تهران: دارالکتب الاسلامیه.

طوسی، ابی حامد محمد بن محمد غزالی (۱۴۰۷). المستصفی من علم الأصول. بیروت: دارالکتب العلمیه.

فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: مؤسسه

اسماعیلیان.

فاخر الجزایری، علی (۱۴۳۵). رساله الحقوق للامام السجّاد علیه السلام والاعلان العالمی لحقوق الانسان.

کربلا المقدسه: دارالکفیل.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین. قم: نشر هجرت.

قانون مدنی، (۱۳۹۱). تهران: نشر دیدار

قربان نیا، ناصر (۱۳۹۰). حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- قرطبی، محمد بن احمد انصاری (بی تا). الجامع لأحكام القرآن. بیروت: دارالفکر.
- کاسانی، ابوبکر (١٤٠٩ هـ ق). بدائع الصنائع. پاکستان: المكتبة الحبيبه.
- کلودانی، محفوظ (١٤٣٧). التمهيد في اصول الفقه. بیروت: دار ابن حزم.
- کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب (١٤٢٩). الکافی (ط-دارالحديث). قم: دار الحديث.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (١٤٠٦). روضه المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط- القديمه).
- محقق: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاردی علی پناه. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- محدث نوری طبرسی، میرزا حسین (١٤٠٨). مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- مرغینانی، علی بن ابی بکر (١٤٢٩). الهدایه شرح البدایه. کراچی: مکتبه البشری.
- موسوی خمینی، سید روح الله (١٣٤٨). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- (١٣٩٣). شرح جنود عقل و جهل. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- (بی تا). تحریر الوسيله. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- مکارم شیرازی، ناصر (١٣٧١). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی، محمدحسن بن باقر (١٤٠٤). جواهر الکلام فی شرح شرایع. بیروت: دار إحياء التراث العربی